

# در دامنه آشفشان

در سی وسومین سال شهادت سیدمرتضی آوینی به راه طی شده  
او از زیست روشنفکری تا شهود انقلابی پرداخته‌ایم



یاد

سمیرا قزوینی

روایت‌نگار

مرتب آثار نیچه را می‌خواند؛ شاملو، اخوان ثالث و فروغ فرخزاد را به خوبی می‌شناخت و ستایش می‌کرد. کامران پس از شکست عشقی‌اش و مهاجرت غزله علیزاده به فرانسه و از سر گذاردن ماجراها و هیجان‌ناخت مختلف، سرانجام پس از ۱۰ سال از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شود و در همین زمان با همسرش، مریم امینی آشنا می‌شود. کامران در این سال‌ها دیگر آن کامران مجلس گرم‌کن و پرحرارت نیست، آرام‌آرام در خود تردید مضمون همه داستان‌هایش است. تلاش کامران برای کنار آمدن با خود در تک‌تک خطوط داستان‌هایش موج می‌زند. سال ۱۳۵۷ به‌رغم مخالفت خانواده مریم امینی، آوینی در نهایت با او ازدواج می‌کند و کمی بعد به آمریکا

میان نیاوردم... سعی کردم که خودم را از میان بردارم تا هرچه هست خدا باشد و خدا را شکر بر این تصمیم وفادار ماندم. اما... کرد که همان سال به جهاد سازندگی می‌روم و همراه اکب‌های جهاد برای کمک به روستاییان سفر می‌کنم. اتفاق مهم دیگری رخ می‌دهد که او به عنوان نماینده جهاد سازندگی به تلویزیون می‌رود و در گروه جهاد کارش را شروع می‌کند. فیلم‌های «شش روز در ترکمن صحرا»، «سیل خوزستان» و «خان کزیده‌ها» را می‌سازد و قبل از سقوط خرمشهر، به آنجا می‌رود و مجموعه‌ای سه قسمتی به نام «فتح خون» از مقاومت مردم در این شهر تولید می‌کند و بعد از آن، مجموعه «حقیقت» پس از آن ساهکارش یعنی «روایت فتح» را می‌سازد.

به باور آوینی، امام خمینی پیامبر تازه‌ای بود که عهد فطری مردم را به آنان یادآوری کرد و چنان‌که اسلاف خویش از ابراهیم و اسماعیل تا محمد (ص) دوره‌ای از جاهلیت را شکست و عصر دیگری از دینداری را آغاز کرد

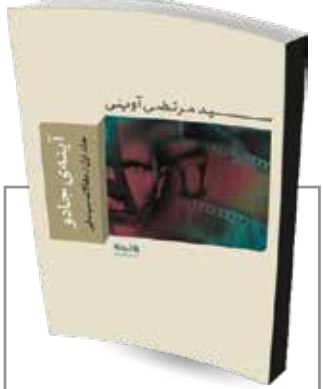
## امام و انقلاب به روایت آوینی

با مرور مقالاتی که سیدمرتضی آوینی درباره امام خمینی و انقلاب اسلامی نوشته، مشخص می‌شود که کلام و اندیشه امام چگونه ذهن و ضمیر او را دگرگون کرد و او چه تعلق از امام و انقلاب دارد. آوینی در مقاله «امام (ره) و حیات باطنی انسان» که در کتاب «آغازی بر یک پایان» منتشر شده، معتقد است امام، انسانی در زمره دیگر انسان‌ها نبود و در میان بزرگان تاریخ نیز افرادی چون او بسیار نایب‌تر بودند. اما به روایت تاریخ به این نادر اجتماع ندارد چرا که «تاریخ، آن‌سان که امروزه‌ها نگاهش‌اند نمی‌تواند قدر بزرگ‌کردنی چون حضرت امام (ره) را دریابد». «هرگز نباید توقع داشت که در تاریخ تمدن و یا تاریخ‌های مدون رسمی شأن و قدر بزرگانی چون حضرت امام (ره) که «معماران خانه حقیقت وجود بشر» بوده‌اند، شناخته شود.»

آوینی که دهه ۱۳۶۰ را «دهه امام خمینی» می‌داند و دهه‌های پس از او را در امتداد و متأثر از آن، معتقد است امام «از قبیله انبیا و اصحاب آنان بود و صدقاتی از مصداق معصومین بود». «نبأ عظیم» که هر هزار سال یکی می‌رسد. «به باور آوینی، امام خمینی پیامبر تازه‌ای نبود، اما از یادآورانی بود که عهد فطری مردم را یادآورند را به آنان یادآوری کرد و «چونان اسلاف خویش - از ابراهیم و اسماعیل تا محمد (ص) - دوره‌ای از جاهلیت را شکست و عصر دیگری از دینداری را آغاز کرد.» به اعتقاد آوینی، وجود امام و درک آن از تنها کسانی می‌تواند حقیقتاً درک کنند که در جست‌وجوی تاریخ تحول باطنی انسان هستند «حتی برای یک‌بار نگفت که «من آمدم تا ایران را به توسعه اقتصادی برسانم.» او خود را برابر «احیای حیات باطنی بشر» مکتف می‌دانست و می‌فرمود که چون باطن انسان حیات یابد، امور مربوط به دنیای او هم اصلاح خواهد شد.

سیدمرتضی آوینی معتقد است «تحول تاریخی بشر جز از طریق انقلاب ممکن نیست» و تقابل «انقلاب و استقرار» را تقابل «فرهنگ و تمدن» می‌داند: «تمدن همان فرهنگ است که تعیین یافته و در پی استقرار برآمده است. فرهنگ طالب انقلاب است و تمدن طالب استقرار و بنابراین چه بسا که تقابل فرهنگ و تمدن به یک تعارض جدی بینجامد.» او در مقاله «آغازی بر یک پایان» به معارضه

با فیلسوفان و متفکرانی برمی‌خیزد که می‌خواهند «اصلاح» را جایگزین «انقلاب» کنند و می‌نویسند: «ده‌ها سال است که تلاش همه فیلسوفان و متفکران مؤمن به تمدن تکنولوژیک غرب متوجه آن است که «توری انقلاب» را نفی کنند و معترضان را به «اصلاح» حواله دهند، حال آنکه رفته‌رفته بر آشفتگان نه به انکار اعراض که به انکار ذات غرب رسیده‌اند و اینان بالطبع در جست‌وجوی تفکر تازه‌ای هستند که بالذات با آنچه هست متفاوت باشد. آوینی که در دو قطبی فکری پویتری - هایدگری دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ در جناح هایدگری‌ها قرار داشت و از نظر فلسفی و نگاهش به غرب و مدرنیته متأثر از آرای سیداحمد فردید و به‌ویژه رضا داوری مقدم بود، اضطراب بشر امروز را مقدمه و نشانه یک زلزله و انقلاب قریب‌الوقوع می‌دانست: «زلزله‌ای که تمدن غرب را از بنیان ویران خواهد ساخت و نسبت انسان را با خویشین خویش و عالم دیگرگون خواهد کرد. از آنجا که تمدن امروز جهان را در تسخیر دارد، انقلاب فردا نیز یک واقعه جهانی خواهد بود و به یک‌باره همه عالم را خواهد بلعد.» آوینی ظهور انقلاب اسلامی به رهبری امام (ره) را نشانه سپری شدن عصر تمدن غرب می‌داند و می‌نویسد: «ظهور انقلاب اسلامی - و بهتر بگویم، بعثت تاریخی انسان در وجود مردی چون حضرت امام خمینی (ره) - برای من کافی بود تا باور کنم که عصر تمدن غرب سپری شده است و تا آن وضع موعود که انسان در انتظار اوست فاصله‌ای چندان باقی نمانده است.» بر همین اساس آوینی «پروستروویکای اسلامی» را امکان‌پذیر نمی‌داند و روشنفکران ایرانی را حلزون‌های خانه به دوشی می‌داند که «برای توجیه وجود خویش ناگزیر هستند که چشم‌پوشی‌ها و بافت‌ها ببندند و پیله وهم و خیال بردوش، به حیاتی حلزون‌وار دل خوش کنند.» آوینی در مقاله «تحلیل آسان» که نقد مقاله‌ای از مسعود بهنود با عنوان «حکومت آسان بی‌آینده است» بود، تعلق روشنفکران از انقلاب را به چالش می‌کشد و می‌نویسد: «اینها تنها تصویری که در انقلاب دارند انقلاب فرانسه است و تنها تصویری که از حکومت دارند نیز همان اشکال مختلف حکومت‌هایی است که در دوران معاصر و با رجوع به مکتب اومانیزم پدید آمده است، و اصلاً نمی‌توانند درکی از این معنا داشته باشند که انقلاب اسلامی با رجوع به باطن مدینه غایی اسلام بوجود آمده است نه با تأثیر پذیرفتن از انقلاب فرانسه و با رجوع به ماکیاولیسم، که ذات فلسفه سیاسی تمدن غرب است.»



## آینه جادو

جلد اول / مقالات سینمایی

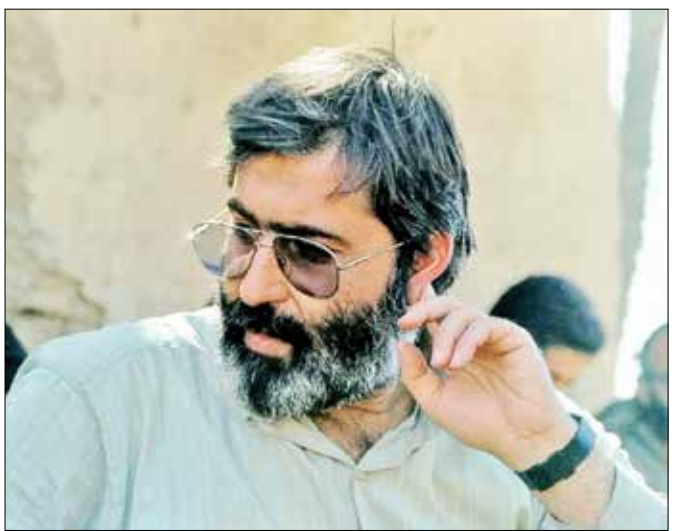
- نویسنده: سیدمرتضی آوینی
- انتشارات: واچه
- تعداد صفحات: ۲۷۲ صفحه
- قیمت: ۱۳۶۰۰۰ تومان

## سینمای مطلوب آوینی

صورت‌بندی اجمالی نگاه و رویکرد شهید آوینی به سینما در جلد اول «آینه جادو» که در زمان حیاتش منتشر شد، قابل مشاهده است. او در مقاله آغازین این کتاب می‌نویسد: «اگر فیلم جاذبه نداشته باشد، تماشاگر پیدا نمی‌کند و فیلم بدون تماشاگر یعنی هیچ. پولی که برای بلیت پرداخت می‌شود نیز تأییدی

است بر همین توقع... وقتی ما فیلم را در جاهایی نمایش می‌دهیم که برای ورود به آن باید بلیت گرفت و بلیت نیز در ازای مقداری پول می‌دهند، یعنی از همان آغاز این نتیجه منطقی را پذیرفته‌ایم که فیلم باید برای عوام‌الناس جاذبه داشته باشد و اگر نه، چرا مقدمات قضیه را آن‌گونه چیده‌ایم؟ فیلم بدون جاذبه را باید فی‌المثل در سالن‌هایی به اسم «کانون فیلم» نمایش داد که جز خواص بدان راه ندارند.» به اعتقاد شهید آوینی «فیلم باید از روی آوردن به جاذبه‌های کاذب پرهیز کند اما از سوی دیگر، جاذبیت اولین شرط تحقق فیلم و سینماست.» به عبارت دیگر او جاذبیت را شرط لازم و نه شرط کافی برای فیلم می‌داند و در مورد شرط سرگرم‌کنندگی فیلم هم می‌نویسد: «در باب تقنین نیز مضموم آن است که چون یک هدف» اعتبار شود و اگر نه، تقنینی که منتهی به تذکر شود نه تنها مضموم نیست که ممدوح است... معمول این است که تماشاگران به قصد لذت و تقنین در جلوی سینماها صف می‌بندند و اگر نبود این لذتی که در تماشای فیلم وجود دارد، سینما هرگز از شائنی این چنین در میان آدم‌ها برخوردار نمی‌شد.» آوینی در مورد تأثیر سینما بر ناخودآگاه مخاطب هم می‌نویسد: «آن تسخیر روانی که گفتیم، خواه ناخواه اتفاق می‌افتد: این خاصیت سینماست و در بهترین شرایط نیز نباید انتظار داشت که این رابطه خاص و بی‌تغییر بین تماشاگر و فیلم وجود نداشته باشد. فیلم تماشاگر را تسخیر می‌کند و عموماً جانشین خودگامی او می‌شود اما گفت‌وگوی ما در کیفیت ایجاد این رابطه و غایب آن است.» بنابراین از نظر آوینی فیلم باید اول تماشاگر را جذب کند و او را سرگرم کند و پس از سرگرمی، ناخودآگاه مخاطب را تحت‌تأثیر قرار دهد و از این طریق پیام خود را انتقال دهد. به عبارت دیگر تا سه مرحله جذب، سرگرمی و تحت‌تأثیر قرار دادن ناخودآگاه در مقاله «تحلیل آسان» که نقد مقاله‌ای از مسعود بهنود با عنوان «حکومت آسان بی‌آینده است» بود، تعلق روشنفکران از انقلاب را به چالش می‌کشد و می‌نویسد: «اینها تنها تصویری که در انقلاب دارند انقلاب فرانسه است و تنها تصویری که از حکومت دارند نیز همان اشکال مختلف حکومت‌هایی است که در دوران معاصر و با رجوع به مکتب اومانیزم پدید آمده است، و اصلاً نمی‌توانند درکی از این معنا داشته باشند که انقلاب اسلامی با رجوع به باطن مدینه غایی اسلام بوجود آمده است نه با تأثیر پذیرفتن از انقلاب فرانسه و با رجوع به ماکیاولیسم، که ذات فلسفه سیاسی تمدن غرب است.»

آوینی با اینکه سینما را یکی از محصولات تکنولوژیک غرب می‌داند که از این نظر نمی‌توان حقیقت آن را مجرد از مجموعه کلی غرب شناخت اما در عین حال معتقد است: «اگر بخواهیم سینما و تلویزیون را به‌سوی حق متعایل کنیم، تکنیک و ابزار سینما و تلویزیون، فی‌انفسهم، حجاب‌بایی هستند که باید خرق شوند.» او این خرق را به مدد شهود فیلمساز ممکن می‌داند و در مقاله «آمالاتی در ماهیت سینما» که اولین‌بار بهار سال ۱۳۶۸ در فصلنامه «فارابی» منتشر شد و بعد آن را به‌عنوان مقاله پایانی جلد اول «آینه جادو» آورد، می‌نویسد: «بزرگی فیلمسازان مشهور جهان در حکمت و تفکرشان نیست؛ در میان آنان حتی کسانی هستند که سینما را حاصل هیچ پیامی نمی‌دانند. بزرگی آنان در این است که توانسته‌اند زبان سینما را در استخدام بیان نفسانین خویش بگیرند و همان‌طور که گفته شد، تکنیک سینما با پیام‌هایی این چنین بیشتر انس دارد تا با سخن حق. برای آنکه سینما در خدمت اسلام در آید باید «حجاب تکنیک سینما خرق شود.» شرط اصلی همان تقواست که انسان را به اخلاص می‌رساند و با اخلاص، درهای حکمت نیز بر قلب گشوده می‌شود. تنها راه خروج از ولایت تکنیک و گذشت از متافیزیک غرب، اول تقواست و آنگاه در پرتو نور حکمت متقین، به تمدن غرب و لوازم و آثار و اجزا و عناصر آن گریستن.» و در جایی دیگر از همین مقاله می‌نویسد: «اگر ما بخواهیم هنر امروز را در خدمت اسلام درآوریم، باید آفاق تذکر و تقنین را با یکدیگر اشتباه نکنیم و بدینم که هنر اگر آن‌چنان که هست ملحوظ شود، نه آن‌چنان که باید باشد. در خدمت تقنین بشر قرار گرفته است.» قسمت اخیر نظرات شهید آوینی و اصولاً نظرات راجع به سینمای مطلوب که از آن به عنوان «سینمای اشرافی» یاد می‌کنند نیازمند بحث‌های عمیقی است که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است.



## امروز وفردا در چشم آوینی

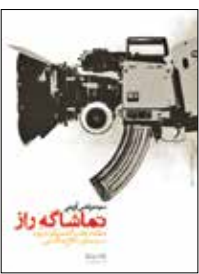
نوشته‌های سیدمرتضی آوینی پس از شهادت ایشان، ابتدا به صورت پراکنده و محدود توسط «کانون فرهنگی اینترگران» به چاپ رسید. سپس «نشر ساقی» مجموعه آثار آوینی را در ۱۲ عنوان چاپ و منتشر کرد و از سال ۱۳۸۹، مجموعه‌ای که اکنون «حقیقت» هم به آن اضافه شده و شامل ۱۴ عنوان است، در «انتشارات واچه» و زیر نظر خانواده ایشان چاپ و منتشر شده است. به استثنای سه کتاب «فتح خون»، «فردایی دیگر» و اولین جلد «آینه جادو» که شهید آوینی، خود در زمان حیات مقالاتش را انتخاب و تدوین کرد، باقی آثار ایشان در واقع جمع‌آوری مقالاتی پراکنده در نشریات گوناگون است که بنا به تشخیص و سلیقه ناشرین مختلف دسته‌بندی و منتشر شده است.

● **توسعه و مبانی تمدن غرب:** شهید آوینی در این کتاب «پیشرفت اقتصادی یا تکامل فرهنگی» را مورد بررسی دقیق قرار می‌دهد. این اثر که در واقع مقالات گردآوری شده از سیدمرتضی آوینی طی سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶، با عنوان کلی «تحقیقی مکتبی در باب توسعه و مبانی تمدن غرب» در ماهنامه جهاد منتشر شده بود. اغلب این مقاله‌ها در آن زمان با اسم مستعار چاپ شده بودند. آوینی در این کتاب، خواننده را با تشریح ساده و دقیق مباحث مدنظر همراهی می‌کند و او را به سمت نگاهی جدید نسبت به مسائل مذکور راهنمایی می‌کند. از اشارات شهید آوینی در مقالات مختلف این مجموعه چنین برمی‌آید که ایشان طرح مسیوطی در ذهن داشته، اما حق این طرح در ماهنامه «جهاد» ناتمام مانده است.

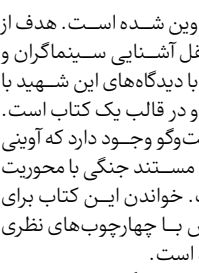
● **حلزون‌های خانه به‌دوش:** کتابی است که در آن شهید آوینی رابطه جریان روشنفکری با انقلاب اسلامی را از نگاه خاص خود بررسی کرده است. این کتاب در زمره پر مخاطب‌ترین آثار شهید آوینی قرار دارد. مجموعه مقالاتی که برای «حلزون‌های خانه‌به‌دوش» انتخاب شده در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ نگارش یافته و در ماهنامه «سوره» منتشر شده بودند. اولین مقاله کتاب، با عنوان «کدام عرفان؟» به



تفاوت‌های میان عرفای حقیقی و عارف نمایان کاذب می‌پردازد و مقاله بعد که «روشنفکران و معاصر بودن» نام دارد، در پاسخ به پرسش مقاله‌ای که از مخاطبان سؤال کرده بود، تلقی شما از معاصر بودن چیست؟، به نگارش در آمده است. «آفات غرض‌ورزی» جوابیه دیگری است که به شبهات مطرح شده در مجله «روشنفکران و زیبا» پاسخ دارد و مقاله «وقتی روشنفکران وارد انقلاب اسلامی می‌شوند»، به صحبت‌هایی از تقی مدرسی پیرامون یک حکم اعدام جواب می‌دهد. «انقلاب اسلامی و اتوبیای غرب‌زدگان» مقاله دیگری است که در جواب به مقاله «دانش» نوشته شده و در مقاله «از مایکل جکسون تا شهروشن پاریسی پوره»، نقادی است بر کتاب «زنان بدون مردان.» از دیگر مقالات این کتاب می‌توان به «ژورنالیزم حرفه‌ای»، «کانون کدام نویسنده‌اند؟»، «تجدد یا تحجر؟» و «تحلیل آسان» اشاره کرد.



● **عالم هیچکاک:** این کتاب یکی از جامع‌ترین مقالات سینمایی سیدمرتضی آوینی در باب ماهیت سینماست که اواسط سال ۱۳۷۱ نوشته شده است. او در این مقاله به اهمیت تفاوت و قصه‌گویی در سینما، تفاوت قصه در دنیای گذشتگان و جهان مدرن، نسبت سینما با هنرهای دیگر از جمله رمان، نقاشی و موسیقی، اقتضات سینما و رابطه آن با مخاطب و موضوعات اساسی سینما و پرده‌ها و ظرافت نظریات خود درباره سینما را به شکلی منظم بیان می‌کند.



● **تماشای راز:** مجموعه گفت‌وگوها، یادداشت‌ها، نقد فیلم‌ها و مقالات سیدمرتضی آوینی درباره سینمای دفاع مقدس است. این اولین کتاب درباره مباحث موضوعی شهید آوینی است که گردآوری و تدوین شده است. هدف از انتشار این مجموعه به صورت مستقل آشنایی سینماگران و علاقه‌مندان به سینمای دفاع مقدس با دیدگاه‌های این شهید با مقوله دفاع مقدس به صورت مستقل و در قالب یک کتاب است. در آنجا به تشریح ویژگی‌های سینمای مستند جنگی با محوریت مجموعه «روایت فتح» پرداخته است. خواندن این کتاب برای مخاطبینی که می‌خواهند به طور خاص با چهارچوب‌های نظری ایشان در این حوزه آشنا شوند مفید است.

● **فردایی دیگر:** شهید آوینی مقالات «فردایی دیگر» را که قبل از شهادت از میان مقالات متعددی که بین سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۶۸ نوشته بود، انتخاب کرد. این مقالات از آن حیث که نویسنده، خود، گلچین‌شان کرده حائز اهمیت‌اند. از لحاظ موضوعی نیز گرچه مقالات به‌ظاهر پراکنده می‌نمایند اما می‌توان آنها را در دو بخش دسته‌بندی کرد: بخش اول مجموعه سه مقاله بلند «راز سرزمین آفتاب»، «بشر در انتظار فردایی دیگر» و «آخرین دوران رنج» است که به فهم و تفسیر عالم غربی در وجود گوناگون آن پرداخته است. «راز سرزمین آفتاب» پاسخی است به این پرسش که چرا «از میان کشورهای این سوی کره زمین ژان تنها کشوری است که توانسته در تقدیر تاریخی دنیای جدید شریک شود» و به توسعه تکنولوژیک دست یابد. «بشر در انتظار فردایی دیگر» وضع کنونی و آینده بشر امروز را در آینه «ضد یوتوپیا»، به روایت آلدوس هاکسلی و جورج اورول، حکایت می‌کند. «آخرین دوران رنج» هم تفسیری است بر کتاب «عبور از خط» نوشته آرنست یونگر و نویسنده در ضمن این تفسیر روایت خودش از نیهیلیسم را باز می‌گوید. بخش دوم کتاب از چهار مقاله با موضوع شعر تشکیل شده و در آن، عالم اشرافی و دینی که در این عرصه از ادبیات جلوه‌گر است، تبیین شده و بخش عمده آن به تأویل و تفسیر اشعار عرفانی امام خمینی (ره) تعلق دارد.